



دوهفته‌نامه فرهنگی سیاسی صنفی دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فسا؛ سال سوم، شماره هفدهم، هفته آخر آذرماه ۹۸
 ما در شبکه‌های اجتماعی (اینستاگرام، تلگرام و سروش): @Kafa_FUMS (روی نام رسانه کلیک یا لمس کنید) / شماره تماس: ۰۹۳۷۹۲۳۵۶۱۶

تصویر متن حرکت!

سوژه‌های دانشجویی به همراه شوخی با امانوئل
 ماکرون، حسن روحانی و دکتر غلامپور! ص ۱۲

سؤال در برابر توهین!

پاسخی کوتاه بر جوابیه‌ای بلند!
 ص ۱۱

مسئولان: فرق نمیکنند! دانشجویان: فرق میکنند!

+فیلم

دانشجویان رشته بیهوشی و اتاق عمل ترم آخر را بدون حضور در دانشگاه و بیمارستان سپری میکنند

ص ۴

کاری نوپادسی

این نسخه از نشریه
 الکترونیک است
 و هایلایت سبز رنگ
 به معنای محتوای
 آنلاین. هر جا دیدید
 کلیک یا لمس کنید



ویژدهنامه روز دانشجو



جدی و شوخی با دانشجویان جمعیت: به
 همراه گزارش یک نشست مطالبه‌گرانه
 ص ۹

صاحب امتیاز: کانون کفا
 مدیرمسئول: محمد راسخی
 سردبیر: امیرحسین رحیمی
 صفحه آرا: محمد راسخی
 نویسندگان: سمانه دهقان، محمد
 راسخی، امیرحسین رحیمی، سعید
 رحیمی، علیرضا رحیمی، میلاد زارع،
 محدثه زینل‌نیا، فاطمه سعیدی‌زاده،
 فاطمه شریعتی، احمدرضا علی‌بابایی
 نویسندگان دیگر: ...sky، خودعمارپندار،
 دانشجویی که نخواست نامش فاش
 شود، یک بنده خدا!!!
 همکاران: الهه استوار، محمد
 محمدی‌رابع

شش‌شنبه



بازار موسیقی یا موسیقی بازاری؟

ص ۵



سه یادداشت در مورد گرانی بنزین

ص ۳۰۲



دو شعر سنتی! و دو شعر نو!

ص ۱۰

اسرمقاله |

نفوذی!

| خودعمارپندار؛ تصوّر کنید شیطان بشود پرورش‌دهنده یک عالم دین! بشود استاد یک فقیه! یا آنکه بشود استاد و آموزش‌دهنده یک مداح یا یک معلّم اخلاق! خیال نکنید این یک امر واهی و پوچ است! خیر! این قول امام معصوم است. عجله نکنید و قدم به قدم پیش بیایید. شیطان از همان جوانی روی یک شخصیتّ سرمایه‌گذاری میکند. شیطان شخصی را انتخاب میکند که منسوب باشد به اهل‌ال‌بیت! «عرق‌خورها» و «اوباش خیابانی» و «هرزه‌ها» و «تن‌فروش‌ها» و «مخالفین مذهب» گزینه‌های مورد علاقه شیطان نیستند! شیطان شیفته تربیت یک عالم و یک لیدر مذهبی است. شیطان سرمایه‌گذاری بلندمدّت دارد! او کسی را انتخاب میکند و او را پله‌پله بالا می‌برد! به او وجهه و جلوه مذهبی میدهد! کار به جایی میرسد اطرافیان آن شخص را نشان میدهند و میگویند: چقدر این آقا زلال و نورانی است! خب شیطان خیلی خوب بلد است شخص نورانی بسازد! از این شخصیت‌های نورانی هم کم نداریم توی اطراف‌مان و توی پیشینه تاریخ مذهبی‌مان! شیطان کاری میکند آن شخص بشود محور خیلی از آدم‌های مذهبی؛ بشود محور و ستون خیلی از هیئت‌ها! خیلی از مسجدی‌ها! خیلی از سینه‌زن‌ها! کار به جایی میرسد که حب آن شخص در دل اطرافیانش جا پیدا میکند و اندک اندک او میشود «فصل‌الخطاب» یک گروه و دسته و جمع! و حالا بهترین موقع برای پایان این بازی است! شیطان به سادگی سرباز خود را منحرف



میکند و با انحرافِ او، تمام اطرافیان و سینه چاکان او نیز منحرف و از دین خدا جدا میشوند! انگار نیاید از خزعبلات فلان آخوند خلع لباس شده یا چرندیات فلان سخنران کت و شلوارِی تجعّب کرد! آخوندها و علماء نیستند! مذهبی فقط متعلّق به مکتب اهل‌ال‌بیت نیستند! شیطان هم برای خودش حوزه و موسسه و نهاد و تربیت مدرس دارد! شیطان هم مداح دارد! شیطان هم سبک سینه‌زنی دارد! دسته دارد! مسجد دارد! این‌ها را جدّی بگیریم؛ راستی میزان و مبنای ما برای تشخیص صحّت و سلامت اعتقادی لیدرهای مذهبی و فقهی چیست؟! شهرت ایشان؟! یا موضع‌گیری سیاسی ایشان؟! جملات پنهانی بسیاری از این آقایان در محافل خصوصی خلاف شهرت و نمایش دینداری ایشان است. در کتاب تحف العقول امام صادق سلام الله علیه فرموده‌اند: ما خاندانی هستیم که همواره شیطان در میان ما فردی نفوذی داخل میکند که نه از ماست و نه از اهل دین ما، پس وقتی شیطان او را پرآوازه ساخت به طوری که مورد توجه مردم قرار گرفت، به او فرمان میدهد که بر ما دروغ بندد و یکی که رفت نفوذی دیگری می‌آید. یا علی مدد.



یادداشت | بسّی‌تان است آقایان!

| امیرحسین رحیمی، هوشیری ۹۶ | این سال‌ها اطرافم را که بهتر نگاه میکنم، هستند افرادی در جامعه که زندگی‌شان را باخته‌اند و بی‌عدالتی و سوء مدیریت بی‌رحمانه آبرو، شرف و درآمدشان را از آنها گرفته است. تورم بالای چهل درصد که قرار بود با آقای روحانی نرخ آن تک رقمی شود، افزایش ناگهانی و چند برابری قیمت دلار و طلا، افزایش قیمت مسکن و خودرو مثل میخ‌های آخر بر تابوت امید مردم بودند.

به عنوان یک جوان که تازه اول چل‌چلی‌اش است مثل همه‌ی دوستانم در دانشگاه و جوانان ارزشمند کشورم در حال برنامه ریزی برای آینده‌ی بودم که ناگهان با یک تحقیر دسته جمعی و غافلگیری شبانه مواجه شدیم. خبر کوتاه بود، بنزین سهمیه بندی و گران شد، اما وسعت درد برای طبقه‌ی متوسط و ضعیف جامعه بسیار عمیق بود به طوری که مردم متانت را کنار گذاشتند و به خیابان‌ها آمدند. اگر فشار و تحریم وجود دارد چرا همیشه این فشار‌ها باید متوجه مردم متوسط به پایین جامعه باشد؟! مشکل از تحریم نیست، مشکل از مدیریت است که نمی‌خواهد حامیان مالی و فرهنگی انتخاباتی خود را از دست دهد؛ پس طرحی برای جلوگیری از فرارهای مالیاتی اتاق بازرگانی و سلبریتی‌ها در کشور اجرا نمی‌شود.

در این نوشته قصدم این نیست که بگویم طرح توجیه مناسبی داشت یا نه! یا اینکه بگویم برای ترمیم وضعیت اقتصادی کشور جراحی‌های دیگری هم وجود داشت که اتفاقاً خونریزی کمتری هم داشتند. اما آقای روحانی و هیئت دولت دیگر بس است. کاری که شما و دوستان‌تان در مجلس شورای اسلامی با مردم این کشور و آبروی نظام کردید هیچ دشمن خارجی نکرده است. نام‌دولت‌تان امید بود و به گفته‌ی خودتان قرار بود آینده‌ی روشنی را برای این کشور و مردم رقم بزنید اما جلال شدید و روز به روز امید را در دل مردم کشورتان کشتید. نظرسنجی روزانه‌ی شما از چهره‌ی مردم ولنجک و پاس‌تور از پشت شیشه‌ی اتومبیل ضدگلوله‌ی گران‌قیمت‌تان را نمیدانم اما ناامیدی و بی‌نشاطی در چهره‌ی مردم جامعه‌ای که من میبینم موج میزند.

پیامد دیگری که شما دولتی‌ها متوجه مردم جامعه کرده‌اید که هیچ بیگانه‌ای با ما نکرد، از بین بردن اعتماد ما به مسئولان عالی رتبه‌ی نظام و دلزدگی مردم نسبت به سیاست است. چگونه و با چه رویی چند روز قبل از گران شدن بنزین به لنز دوربین نگاه می‌کنید و می‌گویید برنامه‌ای برای افزایش قیمت بنزین ندارید و قانون چنین

| یک‌بنده‌ی خدا، ورودی ۹۶ هستم | با چند قسمت از متن شدیدا مشکل دارم. اول اینکه چرا رئیس قوه قضاییه در هیچ‌کجای متن نیست؟ و ثانیاً اینکه به مجلس حمله شده. سوال اینجاست که مجلس چه باید م‌یکرده. مجلسی‌ها میخواستند طرح را لغو کنند اما شورای عالی امنیت ملی و رهبری ورود کردند. با برخی قسمت‌ها هم شدیدا موافقم. اینکه رئیس‌جمهور با خنده‌هایش بعد از آن همه خسارت و خون‌های ریخته‌شده نمک پاشید. صفحه بعد نگاه متفاوتی داشته‌ایم به قضیه گرانی بنزین.

هایلایت سبز رنگ به معنای محتوای آنلاین است. کلیک یا لمس کنید

یادداشت |

گرانی یکشنبه غافلگیری یکشنبه

موضع سریع و صریح رهبر انقلاب همه را

غافلگیر کرد

| یک‌بنده‌ی خدا، ورودی ۹۶ هستم | ساعت، هفت یا هشت عصر پنجشنبه است که یکی از رفقا در گروه مینویسد پمپ‌بنزین‌ها شلوع شده و راه نیست و از این حرف‌ها. من مانده بودم که چرا و حقیقتش اصلا به گرانی بنزین فکر نمی‌کردم. دوازده شب شد و بالاخره خبری رسمی مردم ایران را شوکه کرد. در طول روز جمعه "اینستاگرام" پر بود از استوری‌ها و پست‌ها و "کانال‌های تلگرام" هم پر از خبر و یادداشت و... . دوستان هم‌خطی‌من، استوری‌های‌شان همه و همه هجوم بی‌امان به دولت و حسن روحانی و اسحاق جهانگیری بود. از "آنچنان رونق اقتصادی..." "تا "مردم ایران یادتان هست..." و الی آخر. همه تصمیم "دولت" برای گرانی بنزین را تکفیر میکردند. هیچ‌کس حاضر نبود حتی یکی دو کلمه در تأیید طرح دولت استوری بزند. هیچ‌کس آرامشی تزریق نمی‌کرد چرا که آرامش را حفظ وضع موجود میدید. دوستانم میخواستند به اصطاح کنار مردم باشند. میخواستند رهبری اعتراضات به دست آنها باشد نه ضد انقلاب.

شنبه صبح شروع شد و فضای استوری‌ها رنگ‌بویی دیگری گرفته بود. درخواست از نمایندگان مجلس برای لغو مصوبه دولت. شماره نمایندگان دست به دست میشد و دوستانم از مردم و دانشجویان میخواستند با نمایندگان تماس بگیرند و پیامک بدهند و خلاصه فشار بیاورند روی نمایندگان مجلس.

یادداشت | هیاهوی شبانه

این یادداشت ۳۶ ساعت پس از اعلام رسمی افزایش قیمت بنزین و ساعاتی قبل از قطع اینترنت در کانال و پیج کفا قرار گرفت

| یک‌بنده‌ی خدا، ورودی ۹۶ هستم | صفر/ حکایتی است به این شرح که دزدی، شبانه در حال باز کردن قفل مغازه‌ای بوده و فردی از راه میرسد و میگوید چه میکنی؟ دزد حاضر جواب‌مان هم میگوید دارم ساز میزنم! آن فرد متعجبانه میپرسد پس کو صدایش و دزد هم در پاسخ میفرماید صدایش را صبح میشنوی!

یک/ چند ماه پیش بود که **خبرگزاری فارس** خبری جنجالی را منتشر کرد که پس از آن هجوم عده‌ای به پمپ بنزین‌ها آغازیدن گرفت! **دولت تکذیب کرد** و «فارس» را متهم به دروغ‌پراکنی کرد و حتی از او **شکایت** نمود. بگذریم! صدای آن خبر چند ماه بعد و در شبی پاییزی در آمد! بنزین گران شد اما...

دو/ اما کلیپ‌ها و نوشته‌های سال‌ها قبل دولتمردان در فضای مجازی دست به دست میشود. از آن تویتت رئیس‌جمهور که با اعلام دو نرخ‌ی بودن بنزین ژست ضد فساد میگیرد بگیر تا **سختنان معاون اول** که افزایش قیمت حامل‌های انرژی را به ضرر اقتصاد و طبقه محروم میدان‌تا... بنزین گران شد اما

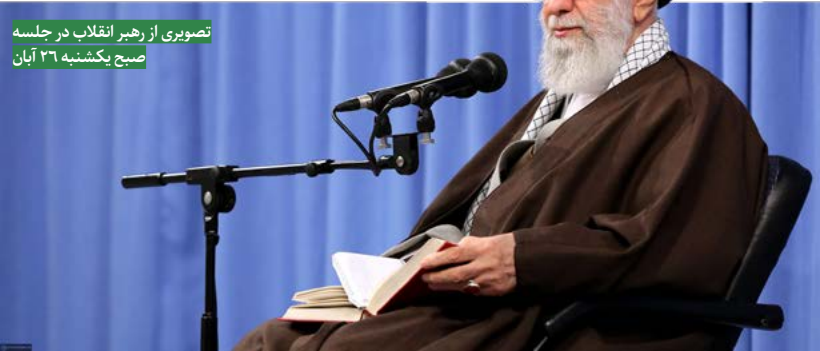
یک استوری جالب هم دیدم که گفته بود رهبر باید موضعیش را مشخص کند و بگوید کدام سمت ایستاده؟ جریان‌های مختلف سیاسی از اصولگرا تا اصلاح‌طلب از طرح دو سه فوریتی برای لغو گرانی بنزین سخن میگفتند. مجلس قرار بود به اصطلاح "در کنار مردم و مستضعفین" و "روبروی دولت و مستکبرین" قرار بگیرد.

عصر شنبه شوک بعدی فرا میرسد. اینترنت در سراسر کشور قطع میشود. تماس میگیرم با خانواده. پدرم میگوید اوضاع اینجا خراب است و همین کنار خانه ما دو بانک جزغاله شده. سراسر کشور درگیر آتش‌سوزی شده. یکی از دوستان پیام میدهد که اطلاعات موقت دارم که چند نفر در فلان مکان در جریان حمله به بهمان ارگان نظامی کشته شده‌اند. کشور درگیر خونریزی هم شده، همه نگرانند. همه مضطربند. و همه منتظر جلسه غیرعلنی فردای مجلس هستند...

یکشنبه فرا میرسد. نمیدانیم اینترنت داخلی برقرار است. ساعت هشت نه بود که از خواب بیدار شدم. با چشم خواب‌آلود رفتم سمت اتاق TV خوابگاه. تلویزیون را روشن کردم. -دقیق یادم نیست- گذاشتم روی شبکه خبر یا شبکه یک. شوک سوم متفاوت بود. **رهبر داشت سخترانی**

میگرو حرف‌هایی زد که خودتان میدانید دیگر.

سریع رفتم اتاق دوستان و به بچه‌ها اطلاع دادم. یکی میگفت "نه، باید کل اظهارات رهبر را دید. اینطور نمیشود



قضایوت کرد" یکی میگفت "این به معنای این نیست که مجلس ورود نکند" یکی دیگر "رهبر مجبور است اینطور حرف بزند" و یا "قضیه ابوموسی اشعری و عمروعاص است" و... . این امر محدود به دوستانم نبود. عصر، یکی از نمایندگان ادوار مجلس مهمان دانشگاه بود. خصوصی رفتم پیشش. او هم گفت صحبت رهبری به معنای عدم ورود مجلس برای لغو طرح نیست! به دوستان عرض می‌کردم که رهبر از اینکه قبل از جلسه مجلس سخن گفته و دفترش سریع منتشر کرده حتما هدفی داشته و تصمیم بر این بوده که مجلس لغو نکند اما دوستان قانع نمیشدند. این مساله اما برای همه مبهم بود تا اینکه هفته پیش **هفته‌نامه وابسته به بیت رهبری** با صراحت در این زمینه نوشت.

هنوز که هنوز است دوستانم از رهبری گله دارند، سوال دارند و خیلی‌هاشان معتقدند رهبر نباید اینطور سخن میگفت. حزب‌اللهی، غیرحزب‌اللهی، ضدانقلاب، اصولگرا، اصلاح‌طلب و به نقلی همه مردم و همه سیاستمداران ایران‌شناس چه خارجی چه داخلی انتظار چنین موضعی و به این حد از صراحت را از "رهبر" نداشتند. سیدعلی خامنه‌ای همه را غافلگیر کرد. ما نمیدانیم اگر او وارد نمیشد و از خودش هزینه نمی‌کرد امروز جو کشور چگونه بود... گمان کنم هر چه بود ناآرام‌تر بود و ملتهب‌تر.

نیست! مردم عصبانید! کمپین‌هایی در فضای مجازی شروع شده و به سطح خیابان کشیده شده. شعارهایی که از آغاز تند و رادیکال است توسط مردم سر داده میشود. هرچند جمعیت خیابان کم‌اند اما اهمیت دارند. شاید این فرصتی باشد برای حکومت و دولت و صداسیما و... که نمونه برخوردی خوب و درست و منطقی را با معترضان خیابان نشان بدهند. از سال ۷۸ تا ۹۶ شاهد پیشرفت محسوسی در مواجهه دولت و حکومت با اعتراضات خیابانی هستیم... فرصت‌ها را غنیمت بشمارید! نسوزانیدش! بنزین گران شد اما...

پنج/ اما شاید لاقفل فایده‌ای داشته باشد که کاندیداهای انتخابات‌های آینده دیگر نتوانند به سخنان به اصطلاح پوپولیستی و شعارهای آرمانی‌شان برای جذب رأی اعتماد کنند! بنزین گران شد اما شاید اعتراضات، شورای عالی اقتصادی سران سه قوه را مجبور به عقب‌نشینی کند!



این عکس معروف را خبرگزاری فارس، ۲۶ آبان منتشر کرد



فیلم | گزارش |

مسئولان: فرق نمیکنند دانشجویان: فرق میکنند

دانشجویان رشته بیهوشی و اتاق عمل ترم آخر را در خانه و بدون حضور در دانشگاه و بیمارستان سیری میکنند!

۸ ترم، نه کم نه زیاد!

محمد راسخی، پزشکی ۹۶ | تابستانی که گذشت اتمام حضور دانشجویان ورودی ۹۴ رشته بیهوشی و اتاق عمل بود. اما آنها باید برای دریافت مدرک فارغ التحصیلی باید چند ماه دیگر صبر کنند. به عبارت دیگر گرچه این دانشجویان ۴۰۰ ساعت کارورزی ۲ خود را در تابستان میگذرانند اما مهرماه باید به صورت رسمی واحد آن را بردارند. آیا دانشگاه مجبور است و بی تقصیر یا دی نفع و مقصر؟

خودتان را جای دانشجویان رشته‌های بیهوشی و اتاق عمل بگذارید. همه آنچه را که باید در دانشگاه انجام میدادید و پاس میکردید و یاد میگیرفتید تمام شده. دیگر کاری در دانشگاه ندارید و دوران دانشجویی‌تان به آخر رسیده اما چند ماه باید خانه‌نشین شوید تا مدرک‌تان را بگیرید. خیلی زور دارد. اما چرا و چگونه؟ برای یافتن یک ماه و اندی پیش پاسخ سراغ مسئولین دانشگاه رفتیم. ولی فرصت انتشار گزارش در این شماره محقق شد.

شلوغی بیمارستان!

در بین دانشجویان شبهات و شایعات و دلایل گوناگونی مطرح است. مثلا اینکه دانشگاه میخواهد پول ترم ۸ را هم از وزارت بگیرد و لذا یک ترم دانشجویان را نگه میدارد. اما یکی از مسئولین بخش آموزش دانشگاه به ما میگوید اینها شایعه است. مسئول مربوطه در پاسخ به این سوال که چرا دانشجویان همان ترم ۸ کارآموزی را نمیگذرانند این طور توضیح میدهد که بخاطر مشکلاتی که بیمارستان دارد (کمبود فضا) بر اساس یک مصوبه داخلی در دانشگاه، دانشجویان موظفند تابستان کارورزی را بگذرانند. البته گفتنی است که در طی صحبت‌مان با دانشجویان به این نتیجه رسیدیم که اکثر آنها کارورزی تابستان را به کارورزی مهرماه ترجیح میدادند. یعنی مسئولان محترم! اگر نمیتوانید تابستان مدرک بدهید لاقابل بگذارید کارورزی را همان تابستان بگذاریم و از شر و خیرش خلاص شویم! این را گفتیم که سوتفاهم نشود و برای درست کردن ابرو چشم را کور نکرده باشیم!

کمیود خوابگاه

در ادامه پیگیری‌ها به دانشکده پرستاری بخش بیهوشی و بخش بیهوشی میرویم. بخش بیهوشی به ما میگوید به دلیل کمبود اتاق عمل متاسفانه از مهرماه به بعد فضا برای آموزش دانشجویان مهیا نمیشود. البته مساله دیگری را هم میگویند. اینکه قرار بوده امسال شرایطی فراهم کنند

این دانشجویان به اجبار دانشگاه واحد های درسی خود را به صورت فشرده و در تابستان سال چهارم (که به نوعی ترم هشت آنها می‌شود) به اتمام می‌رسانند ولی مدرک خود را بهمین ماه دریافت می‌کنند. دلیل تأخیر پنج ماهه برای دریافت مدرک و به تبع آن عقب افتادن چندین ماهه از صف طرح (طبق قانون زمان انتظار) این است که مسئولین دانشگاه معتقدند، تابستان مجاز به گذاشتن هشت واحد کارآموزی در عرصه روی سایت سما نیستند (دانشجویان تابستان

یک دانشجو که نخواست نامش فاش شود! | یکی از امتیازات طرح، امتیاز زمان انتظار است، به طور مثال اگر دو نفر دارای امتیازات یکسان باشند هر کدام که زودتر در سامانه طرح وزارت بهداشت ثبت نام کند امتیازش نسبت به دیگری بالاتر می‌رود.

در حال حاضر رشته های کارشناسی پیوسته هوشبری و اتاق عمل دانشگاه علوم پزشکی فسا ورودی بهمن هستند.

که کارورزی در همان مهر بیفتد اما معاونت فرهنگی به دلیل کمبود فضای خوابگاه مخالفت کرده است. آنها تأکید میکنند که برای همین طرح کارورزی در تابستان تلاش زیادی کرده آند که برنامه ریزی منظمی برای حضور دانشجویان اتفاق بیفتد. گله میکنند از اینکه بچه‌ها قدر نمایندند و حتی میگویند بخشی از بچه‌ها بخاطر همین نظم دقیقی که اتفاق افتاده ناراحتند!

فرقی نمیکنند

یکی از مهمترین دلایل اعتراضات دانشجویان این است که بخاطر چند ماه عقب افتادن فارغ التحصیلی از طرح شان عقب می‌افتند. اما گروه بیهوشی میگوید فرقی برای آنها نمیکند! ما اینجا دانشجویی سال ۹۲ داریم که هنوز در نوبت طرح است! چندماه یا اینجا باید منتظر باشند یا آنجا!

سوال دیگری که از بخش هوشبری میپرسیم این است که آیا در دانشگاه های دیگر نیز وضع به همین صورت است؟ «نمیدانم اما همین شیراز با وجود بیمارستان های زیادی که دارد همین جور است»

غذا آری، کار دانشجویی آری، خوابگاه نه!

طبیعتا دانشجویی که مهرماه واحد برمیدارد باید حق استفاده از خوابگاه و سلف و اینترنت آن ترم را هم داشته باشد. برای این مساله سری به معاونت فرهنگی دانشجویی میزنیم. یکی از مسئولین اینطور توضیح میدهد که دانشجویان طبق قانونی که مصوب شده در ترم مهر نمیتوانند از خوابگاه استفاده کنند. اما در تابستان خوابگاه به آنها ارائه میشود و البته هزینه آن را هم باید پرداخت کنند. به عبارت دیگر پولی که از کارورزی در تابستان عاید دانشجویان میشود همه آن برای خوابگاه خرج خواهد شد! ایشان البته توضیح میدهد که دانشجویان حق استفاده از غذا [و اینترنت] را در ترم آخر دارند. نکته دیگری که این مقام مسئول در ادامه میگوید این است که دانشجویان میتوانند کار دانشجویی هم در ترم آخر بردارند.

این کلیپ برای کاری‌نو ارسال شده: انتقاد دانشجویان علوم پزشکی فسا در شبکه ۳ (لمس یا کلیک کنید)

کارآموزی در عرصه خود را می‌گذرانند اما مهرماه واحد آن را انتخاب می‌کنند! در صورتی که دانشگاه علوم پزشکی شیراز در مواقع خاص تا ۶ واحد کارآموزی در عرصه را تابستان در سایت می‌گذارد و ۲ واحد باقیمانده را در یک ترم دیگر می‌گنجاند. امید است مسئولان مربوطه طبق معمول دانشجویان را تنها نگذاشته و با پیگیری هایشان این مشکل را حل کنند.



تحلیل |

بازار موسیقی یا موسیقی بازاری

تأملی بر حال و روز این روزهای موسیقی ایران

ریشتری» را همزمان با هم بشنوید، آن وقت است که متوجه میشوید که این اثر، نه آهنگ است و نه جدید، فقط یک کپی است که توهینی بزرگ به مخاطب محسوب میشود و جالب‌تر اینکه مسعود جهانی سازنده ملودی این آهنگ در توضیح این کپی آشکار این‌گونه میگوید: «اگه کسی دوست نداره نشنوه».

یا به طور مثال ظهور خواننده‌هایی که شاید صرفا بخاطر داشتن پول یا قیافه وارد این عرصه شده اند و فارغ از هرگونه استعداد آوایی، حتی یک تحریر ساده هم در خواندن آوازهایشان نمی‌زنند و کوچکترین احساسی را نمیتوانند با صدایشان منتقل کنند که مثال بارز آن حضور محمدرضا گلزار میان خواننده‌های پرتعداد پاپ ایران است، گویی در آمد حاصل از این حرفه حتی اقشار پردرآمد را هم وسوسه میکند.

با این توضیحات که تنها بخش کوچکی از وضعیت موسیقی حال حاضر ایران است، موسیقی این کشور خصوصا در حوزه پاپ، بیشتر از اینکه هنر و فرهنگ راغنی کند، دارد به بازاری تبدیل میشود که جیب

به این عرصه شده و کم‌رنگ شدن نوازندگی و سازهای زنده در میان ملودی‌ها به شدت حس میشود؛ مثل اکثر ملودی‌های ساخته‌ی مسعود جهانی یا حامد برادران. مورد دیگر درباره ملودی، تکراری شدن ملودی‌های یک

با نگاهی به آهنگ‌های منتشر شده در سال‌های اخیر، سیر نزولی هنر موسیقی ایران کاملا مشهود است به طوری که نه آهنگ‌ها بویی از هنر برده‌اند و نه آهنگساز و خواننده بویی از هنرمند بودن.

خواننده یا آهنگساز است که در اینجا نیز میتوان به مسعود جهانی یا علی یاسینی اشاره کرد. در بحث تنظیم هم به علت اینکه تنظیم‌کنندگی در موسیقی ایران امری نوپا است و شاید زیاد جدی گرفته نشود، پای افراد آماتور به این عرصه باز شده و نتیجه‌ی کار هم تنظیم‌های سطحی اکثر خوانندگان مطرح و بزرگی که اتفاقا کار های باکیفیتی هم تولید میکنند همچون محسن چاووشی میتوان ضعف تنظیم را دید، کفایت یک بار آهنگ یوسف را از این خواننده بشنوید، دیگر خودتان تا آخرش را حدس خواهید زد.

اما این‌ها جزئیات آهنگ‌های منتشر شده‌ی این عرصه است که شاید اصلا برای خیلی از مخاطبین قابل لمس نباشد، اما مشکل اینجاست که در کلیت کارها هم ضعف‌های بزرگی حس میشود؛ به طور مثال وقتی لفظ «آهنگ جدید» برای یک اثر به کار میرود مخاطب توقع دارد یک اثر هنری را تجربه کند که قبلا وجود نداشته، اما به طور مثال فقط کافیس است آهنگ جدید مهرداد جم یعنی «دل‌مو بردی» و آهنگ مسیح و آرش عدل‌پرور (آرش AP) به نام «صد

احمد رضا علی بابایی، پرستاری ۹۶ | موسیقی، چیزی که شاید این روزها بیش از گذشته با زندگی مردم، به خصوص نسل جوان یعنی من، و شما که مخاطب اصلی این نشریه هستید گره خورده و همواره بخش عظیمی از فرهنگ و هنر هر ملتی را از گذشته‌های دور تحت تأثیر قرار داده و میدهد؛ اما آیا این روزها حال و هوای موسیقی ما خوب است؟

با یک بررسی ساده میتوانیم به نتایجی نه چندان خوب اما قابل تامل دست پیدا کنیم؛ موسیقی یک هنر است که در آن هر قدر تبحر خواننده در نشان دادن توانایی‌های صوتی خود، ادای احساسات و اعمال خلاقیت در آهنگی که میخواند بیشتر باشد و بهتر بتواند احساسات و پیام‌ها را به مخاطب منتقل کند، هنرش بیشتر است و کیفیت کارش بالاتر؛ اما با نگاهی به آهنگ‌های منتشر شده در سال‌های اخیر، سیر نزولی هنر موسیقی ایران کاملا مشهود است به طوری که نه آهنگ‌ها بویی از هنر برده‌اند و نه آهنگساز و خواننده بویی از هنرمند بودن.

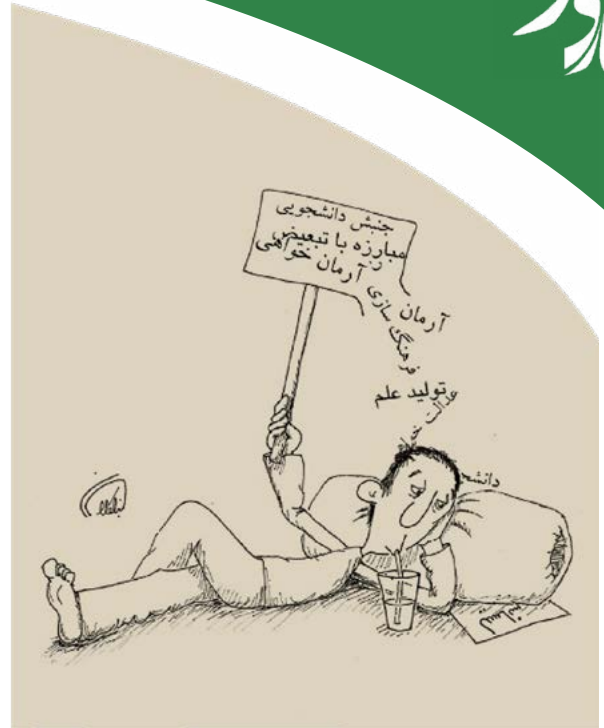
هر آهنگی از اجزای «ترانه»، «ملودی» و «تنظیم» تشکیل شده که اگر این سه به طور هماهنگ و هنرمندانه‌ای کنار هم چیده شوند میتوانند یک اثر هنری خلق کنند اما متاسفانه در آهنگ‌های امروزی و لاقابل چیزی که بین نسل جوان باب شده است، اکثرا این ترکیب نه تنها با هم هماهنگ نیست بلکه حتی نام ترانه، ملودی و تنظیم را هم نمیتوان روی این اجزا گذاشت. ترانه‌ها تا چند سال پیش اگر خالی از آرایه‌های ادبی و بسیار سطحی و عامیانه بودند، لاقابل قافیه داشتند که متاسفانه جدیدا ترانه‌ی بسیاری از آهنگ‌هایی که میشنویم حتی قافیه و وزن هم ندارند که مثال بارزش را میتوان در آهنگ جدید محسن ابراهیم‌زاده به نام «مرور خاطرات» و یا مهدی جهانی به نام «قدم بزین با من» مشاهده کرد.

ملودی‌ها هم هرچند مدرن‌تر و بعضا غنی‌تر شده‌اند اما استفاده بیش از حد از سازهای کامپیوتری و صداهای پیش ساخته و راحتی ساخت ملودی با این گونه سازها و صداها باعث سطحی شدن ملودی و ورود افراد آماتور



یادآور شد |
فرق میکنند!

۶٪



یادداشت

اگزارش‌ا

محمد راسخی، پزشکی ۹۶
علیرضا رحیمی، پزشکی ۹۶



دکتر خالقی رئیس دانشگاه در نشست پرسش و پاسخ با دانشجویان به همت انجمن اسلامی مستقل:

شفافیت در دانشگاه ما کم نظیر است!

گزارشی کوتاه از مهمترین فرازهای توضیحات مسئولین درباره مطالبات دانشجویان (بخش اول)

۱۷ آذر ۹۸ جمعی از مسئولین دانشگاه در تالار بعثت حاضر شدند و به پرسش‌ها و انتقادات دانشجویان پاسخ دادند. این نشست حدود ۴ ساعت به طول انجامید و نمایندگان گروه‌های مختلف دانشجویی مطالبات خود را در مقابل هیئت رئیسه مطرح کردند. در این نشست حتی گاه گفت‌وگوی دو طرفه میان دانشجو و مسئول مربوطه صورت می‌گرفت و این از نکات مثبت جلسه بود. مسئولان مهمترین مقصر مشکلات و کمبودهای دانشگاه، شرایط بد اقتصادی کشور دانستند و البته با قبول برخی اشتباهات و سهل‌انگاری‌ها از دانشجویان تقاضا نمودند مشکلات را به آنها گوشزد کنند. در ذیل برخی جملات مضمون صحبت‌ها بوده و دقیق نمیباشد.

اسنپ، استخر، دوربین خوابگاه، آسانسور و زیاد بودن دانشجویان پزشکی!

■ د.خالقی: برای قضیه اسنپ کتابا به حراست نامه زدم که هم امنیت تامین شود و هم برای دانشجو مشکلی پیش نیاید. انشالله حل میشود.
■ دکتر خالقی: وعده دکتر فراهانی مبنی بر تخصیص یک میلیارد تومان برای استخر دانشگاه حتی یک ریال آن هم تحقق پیدا نکرد.

■ د.خالقی در مورد اعتراض به دوربین در خوابگاه: ماکروفر به این بزرگی را برده‌اند، چه کار کنیم؟ سرت بشود میگویند چرا فلان دوربین میگذاریم میگویند چرا بهمان؟
■ د.خالقی: به جد دنبال تعمیر اساسی و دائمی آسانسورها هستیم.

■ در پاسخ به مساله زیاد بودن دانشجو در راندهای آموزشی رشته پزشکی: د.غلامپور: چه کار کنیم وقتی دانشجو زیاد به ما میدهند؟ ما ۶۰ دانشجو خواستیم ولی صد و ده تا دادند. یک بار کتبی اعتراض کردم یک بار هم حضوری رفتم. گفتند همین تعداد را هم با فشار زیاد تعیین کرده‌ایم شاید سال بعد دوبرابر شد! خود تشکل‌ها باید اعتراض کنند مستقیم به وزارت. البته هر کسی بخواهد یاد بگیرد با همین وضع هم میتواند/ د.خالقی: در شورای آموزشی کشور مطرح شد که سازمان سنجش خودسرانه ۳۲ درصد افزایش داده. دومرتبه مجلس هم افزایش داده. اختیار دست ما نیست. دست وزارت بهداشت هم نیست.

دانشجویان ظرفیت مازاد، سختگیری‌ها و نمره منفی، اضافه کردن ورودی بهممن ماه برای پزشکی و عملکرد دفتر نهاد!

■ نماینده دانشجویان ظرفیت مازاد: خوشحال هستیم که ۱۴ آذری هم وجود دارد تا ما برخی از مسئولان را ببینیم! دانشجوی شهریه‌پرداز به معنی هرچا پول کم آوردیم بریم سراغش نیست، ما دانشجوی شهریه پرداز هستیم نه دانشجوی خودپرداز

■ د.خالقی: ما آماده‌ایم با نمایندگان دانشجویان ظرفیت مازاد بنشینیم و پولی که میدهند و پولی که هزینه این دانشجویان میشود را شفاف کنیم.

■ د.جانمردی: دکتر لاریجانی (معاون آموزشی وزارت) درخواست کردند که در مورد بحث آموزش دانشجویان حتماً سختگیری شود چون حدود ۴۰ درصد فارغ التحصیلان وزارت بهداشت سواد کافی ندارند، بنابراین با بحث‌هایی مثل روی نمودار بردن به شدت مخالف هستیم. شاید نمره منفی را حذف کنیم اما حتماً سوالات تشریحی قرار می‌دهیم.
■ دکتر غلامپور: با مشورتی که با سایر معاونین آموزشی داشتیم معایب داشتن دو ورودی به مراتب بیشتر از مزایای آن است.

■ حجت‌الاسلام یعقوبی، مسئول جدید دفتر نهاد: بنای بنده تعامل با تمامی دانشجویان و جذب حداکثری و دفع حداقلی در یک فضای فراچاقی است. از همه گروه‌ها دعوت میکنم طرح‌ها و پیشنهادات خود را حضوراً به ما ارائه دهند تا پیش ببریم.

روپوش رایگان، حق تقدم در خوابگاه با کیست؟، دانشجو یقه مسئول را بگیرد، سرانه دانشجو را نمیدهند، کمبود مراقب و ساختمان کانون‌ها!

■ د.نقدی: طبق هیچ قانونی دانشگاه مکلف به دادن روپوش رایگان به جدیدالورودها نیست، تا الان می‌دادیم ولی با توجه به مشکلات مالی و بازخواست نهادهای مالی دانشگاه دیگر نمی‌توانیم رایگان روپوش بدهیم

■ د.خالقی: حق تقدم برای ورود به خوابگاه داخل دانشگاه و گرفتن اتاق‌های خلوت تر به نسبت سنوات دانشجویان هست نه مازاد و روزانه بودن آنها
■ د.غلامپور: هیچکس از پاسخ دادن خوشش نمیاد و این توقع را نداشته باشید که ما بیاییم دنبال شما که بیاید از ما مطالبه کنید، شماها هستید که باید بیاید یقه ما را بگیرید.

■ د.نقدی: سرانه ۱۳۰۰ نفر دانشجویان در سال دو میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان میشود که تاکنون از طرف وزارت ده درصد آن داده شده است
■ د.غلامپور: (اینکه استادی بخاطر کمبود مراقب امتحان را برگزار نکند) ابدأ چنین چیزی نباید باشد و از شما می‌خواهم چنین مواردی را حتماً به ما اطلاع دهید

■ د.خالقی: پول برای تکمیل ساختمان کانون‌ها کم آمد/ د.غلامپور همراه با شوخی: پول را از من گرفتند وگرنه با همان پول انجام میدادم... قولی دادم که در حیطه خودم نبود./ د.خالقی: میبینید؟ چیز پنهانی نداریم! فکر نمیکنم همچین شفافیتی در سطح وزارت داشته باشیم.

دانشجویان

کراسینگ اوور! (نو ترکیب!)

در قدیم دانشجو یا به دنبال استاد میدوید تا قطره‌ای بیشتر از این دریای بیکران علم نصیبش گردد یا در سالن مطالعه غرق در یادگیری دانش بود...

امروزه نیز دانشجو به دنبال استاد میدود اما نه از بهر کسب علم بلکه برای.... بله همان تا با آن بیاسد و پاسیده شود و ازین روست که شایسته است (!) دانشگاه را پاسگاه بنامیم.

اما هنوز هم بعضاً کسانی هستند که به سالن مطالعه میروند برای بگذریم (مدیانیف فکر بد کنید)

در دانشگاه، بخشید پاسگاه خود ممکن است یافت کنید موجوداتی را که میگویند ما هیچچی درس ما نمیخوانیم ما و بعد که نمرات آورده میشود معلوم می شود که دانسته‌های سر امتحان‌شان را از طریق الهامات غیب خودشان دریافت کردند... از همینجا عرض کنم که خدایوت مخلصین بی ریا

القصه، دانشجویان قدیم پس از فارغ‌التحصیلی و کسب علم و توانایی‌های لازم، سامسونت و جزوه عینک را کنار گذاشته و مستقیم وارد میدان کار میشدند تا فعالیت تخصصی خود را آغاز کنند

اما دانشجویان امروزی به مدد همان گوشی و مشتقاتش مستقیماً وارد بازار میشوند و کوزه‌ای خریداری میکنند تا کنار مدرک خود قرار دهند و آیش را نوش جان کنند...

اما با تمام تغییراتی که در این گونه نادر رخ داده است اما هنوز هم ۱۶ آذر روز دانشجویست... پس روزت مبارک

■ فاطمه سعیدی زاده، پزشکی ۹۶ | قدیم‌الایام یک دانشجو بود با یک کیف سامسونت به ابعاد یک چمدان مسافرتی با کلی جزوه و کتاب و چندتایی هم خودکار بیک آبی و ته‌فشنگی فرانسوی، که غالباً دوتایی از اون‌ها درون جیب پیراهن بلند و گشادشان که برای خودش کلاسی داشت جای می‌گرفتند. هم‌چنین یک عینک طبی نیز داشتند که صورت شخص زیر قاب عینک پنهان میشد البته عینک صرفاً جهت دید بهتر بود نه همراهی با سلبریتی‌ها... الگوپذیری از سلبریتی‌های فهمیم کشورمان به حدی رسیده است که داخل دانشکده هنر هرکس شلوارش (اگر شلوار بنامیمش)، به زیر گلویش نزدیک‌تر باشد هنری‌تر است مثلاً یک بار که رفته بودم دانشگاه هنر، خیران دیدم یه شلوار خالی را که رد شد همه به آن سلام کردند گفتم این دیگر چیست؟ گفتند استادمان است.

اما درحال حاضر یک دانشجو هست با یک گوشی و ناچیز گیگی اینترنت رایگان و یک پاور بانک و یک هندزفری [گاه‌ها هدفن] و البته به همراه یک عینک هنری با شیشه‌هایی دایره‌ای شکل که شاخ جلوه کند...

قدیم‌ها دانشجویان سر کلاس نکته یادداشت میکردند و جزوه مینوشتند اما امروزه دانشجو عاری از هرگونه تجهیزات برای نگارش است ودر نهایت امر، به گرفتن عکسی از بُرد و دو سه تا سلفی از خود و دوستان و ضبط صدای استاد راضی میشود...

کارتیکاتوری از علی شفیع

کارتیکاتوری از علی شفیع

اطنر و فیل

۷٪



۱۱ روز بعد

۱۱ روز بعد



تصویر بازسازی شده از ۱۶ آذر ۳۲، دانشکده فنی دانشگاه تهران
تابلوی "آذر شریعت رضوی" از آلبوم عکس "به روایت یک شاهد عینی"
کاری از آزاده اخلاقی عکاس خلاق ایرانی
لینک ۱: در مورد آلبوم عکس و چگونگی تهیه (عصر ایران)
لینک ۲: وبسایت آزاده اخلاقی

۱۱ روز بعد

از کودتای ۲۸ مرداد سال سی و دو

در شانزده آذر ۱۳۳۲ چه اتفاقی افتاد؟ اسناد تاریخی چه میگوید؟

محمد راسخی، پزشکی ۹۶ | وقایع تاریخی پر است از روایت های گاه متناقض. نوشته زیر تلاشی است در جهت پوشش دادن برخی (و صرفا برخی!) از روایت های موجود در بعضی (و فقط بعضی!) از منابع

شانزدهم آذر ماه سال ۱۳۳۲ در دانشکده فنی دانشگاه تهران سه دانشجو توسط نیروی انتظامی پهلوی کشته شدند. از آن سال به بعد سالانه دانشجویان دانشگاه های کشور با برگزاری مراسم یا تجمع (با وجود مخالفت حکومت وقت) یاد آنان را گرمی می داشتند. در طی زمان این روز به نام روز دانشجو نام گرفت. (۱) آنتور که پرواند آبراهامیان می نویسد این نام در ابتدا توسط کنفدراسیون دانشجویان ایرانی خارج از کشور به این روز داده شد (۲) البته پس از انقلاب نیز در تقویم رسمی حضور یافت

از مدرسه با مراعات نظیر آشنا هستیم. ۳۲، مرداد ۳۲، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲! آذر پیامد ۲۸ مرداد بود. کودتای انگلیسی آمریکایی، طرح ملی شدن (و به طبع آن مبارزات چند ساله مردم ایران) را شکست داد و بار دیگر نفت ایران (و در ابعاد بزرگتر کل ایران) را زیر سلطه بیگانه قرار داد. اما مردم و دانشجویان مگر می توانستند "ساکت" بنشینند؟ ۱۶ آذر نتیجه "ایستاده" "فریاد زدن" است!

پس از کودتا

یک روز بعد از کودتای ۲۸ مرداد، "نهضت مقاومت ملی" به منظور مقابله با اقدام دولت کودتا و با حضور نیروهای سیاسی و با گرایش‌های ملی و مذهبی تشکیل شد و کمیته دانشگاه و جنبش دانشجویی از مهمترین و

مؤثرترین نیروهای این نهضت در دوران فعالیتش بود (۱) به طور دقیقتر یکی از شاخه‌های ترکیب سازمانی این نهضت "تشکیلات تهران" بود که از مهمترین "کمیته" های این "تشکیلات"، "کمیته دانشگاه" و "کمیته بازار" بود. کمیته بازار پشوانه‌ی مالی و کمیته دانشگاه نیز به عنوان بازوی اجرایی (۳) البته دانشجویان وظیفه تبلیغ این نهضت را نیز داشتند. یک بلندگوی مؤثر بین المللی

رهبری نهضت قصد داشت صدای اعتراض مردم ایران را به گوش جهانیان برساند... اجرای این برنامه به عهده کمیته‌های هماهنگی (اجرایی) و دانشگاه واگذار شده بود. لذا کمیته دانشگاه سعی می‌کرد در تدارک و سازماندهی تظاهرات دانشجویی، فعالیت عمده‌ای داشته باشد. (۱)

اهداف این نهضت در سه اصل زیر آمده بود

۱) ادامه نهضت [نهضتی که در اصل مصدق آن را بنا نهاد] و اعاده استقلال ملی کشور (۲) مبارزه علیه هرگونه استعمار خارجی اعم از سرخ و سیاه (۳) مبارزه علیه حکومت‌های دست‌نشانده خارجی و عمال فاسد (۳)

ماه مهر

اهمیت این نهضت در بحث ما آنجاست که سرچشمه‌ی اعتراضات گسترده دانشجویی شد. گفتنی است این نهضت فراتر از دانشگاه و دانشجویان بوده اما دانشجویان نقش بسیار مهمی در پیش‌برد این نهضت ایفا نموده‌اند.

اولین تظاهرات وسیع به ابتکار نهضت مقاومت ملی در ۱۶ مهر ۳۲ به نشانه اعتراض به حبس مصدق، شایگان و رضوی صورت گرفت. بیش از ۲۰۰۰ دانشجوی دانشگاه

تهران ... به راهپیمایی پرداختند... و با مأموران فرمانداری فرمانداری نظامی و چاقوکشان مزدور دولتی زد و خورد کردند و عده‌ای مجروح شدند (۱)

تظاهرات وسیع بعدی یک ماه بعد در ۲۱ آبان برگزار می گردد. این تظاهرات نیز به عنوان اعتراض به محاکمه دکتر مصدق و دیگر ملیون صورت گرفت... بازار و دانشگاه و مدارس یکپارچه دست از کار کشیدند... تظاهرکنندگان... ضمن راهپیمایی و سر دادن شعار با مأمورین نیروی انتظامی که در صدد متفرق کردن و دستگیری آن‌ها برآمدند برخورد‌های شدید کردند و عده زیادی از طرفین مجروح شدند. تعداد دستگیرشدگان به حدی بود که گروه کثیری را با قطار فوق العاده و خودروهایی نظامی به نقاط مختلف کشور و جزیره خارک فرستادند. (۳)

آذر پر حادثه! نقطه اختلاف

خلاصه ماجرا این است که ۱۴ آذر تظاهراتی محدودی در دانشگاه از سوی دانشجویان شروع می شود ولی روز پانزدهم دامنه‌ی اعتراضات به خارج از دانشگاه کشیده می شود و مأموران انتظامی عده‌ای را زخمی و تعدادی دیگر را دستگیر و زندانی می کنند. (۳) روز شانزده آذر نیروهای نظامی برای اولین بار (۴) به طور گسترده وارد دانشگاه می شوند و دانشجویان از حضور این همه از نیرو و تجهیزات متعجب و نگران می شوند. در این بین در دانشکده فنی یک درگیری کوتاه اما شدید رخ می دهد که ۳ نفر کشته و تعداد زیادی نیز مجروح و دستگیر می شوند.

اما قضیه به همین سادگی نیست. تازه، روایت های متناقض تاریخی پیچیده ترش هم کرده اند! آن هم برای دانش جویی که از تاریخ چیزیش حالی نیست!!!

منابع و اشخاص مختلف روایت‌های گوناگونی دارند در ابتدا بخشی از خاطرات حسینیان از اعضای هسته اولیه نهضت را می خوانیم

تصمیم گرفته شد که در اعتراض به محاکمه دکتر مصدق و همچنین بازگشایی سفارت انگلیس در تهران، تظاهراتی انجام شود. در این رابطه آیت‌الله حاج سیدرضا زنجانی شخصا اطلاعیه‌ای داد و از بازاری‌ها و دیگر اصناف خواست در اعتراض به محاکمه دکتر مصدق، تعطیل عمومی اعلام کنند.

در چنین موقعیتی بود که کمیته نهضت مقاومت ملی بر آن شد تا در اعتراض به تجدید رابطه ایران و انگلیس اعلامیه‌ای بدهد و حرکتی در کانون مقاومت دیگری که

دانشگاه باشد، ایجاد نماید. در اعلامیه نهضت مقاومت ملی گفته شده بود که نیکسون روز شانزدهم آذر به ایران می‌آید و قرار است تظاهراتی در اعتراض به ورود او انجام شود. البته او هجدهم آذرماه به ایران آمد.

پس از انتشار اعلامیه نهضت مقاومت ملی، در حمایت از این اعلامیه، جامعه اصناف و بازرگانان نیز اعلامیه‌ای صادر کرد که در آن به تبعید مرحوم شمشیری و حاج تقی انوری، دستگیری حاج محمود مانیان و دیگر افراد وابسته به جامعه اصناف و بازرگانان و نیز خراب کردن سقف بازار و اجازه ندادن به باز شدن خیلی از مغازه‌ها اعتراض کرد و خواست روز شانزدهم آذر – که قرار بود نیکسون وارد ایران شود – تعطیل عمومی اعلام گردد. اما اعتراض‌ها در دانشگاه تهران از دانشکده پزشکی، داروسازی، حقوق و علوم آغاز شد. جلوی این دانشکده‌ها هر روز تظاهراتی در اعتراض به مسائلی که در این مملکت اتفاق می‌افتاد و همچنین دستگیری شخصیت‌های سیاسی دانشگاه ازجمله مهندس قاسمی – که از دانشکده فنی او را گرفته و به خارک تبعید کرده بودند – به عمل می‌آمد. این تظاهرات روزهای چهاردهم و پانزدهم هم ادامه داشت. اما تحلیل نهضت مقاومت ملی این بود که چون نیکسون می‌خواست به ایران بیاید، باید یک جو آماده ایجاد شود؛ بنابراین امکان داشت در پی خشونت‌ی که در بازار انجام دادند، دانشگاه را هم متشنج کنند تا بتوانند بهره‌برداری نمایند و نیکسون در فضای آرامی بتواند به ایران بیاید. (۵)

۳ دلیل عمده ای که برای ۱۶ آذر مطرح شد: دادگاه مصدق، تجدید روابط با انگلیس و زمزمه ورود نیکسون در مورد اختلافات، فی المثل عده ای ارتباط نیکسون با ۱۶ آذر را انکار می کنند. محمد ترکمان پژوهشگر تاریخی می گوید:

نیکسون، معاون رییس‌جمهور آمریکا طی سفری دو هفته‌ای به آسیا و آفریقا و قبل از پرواز به سوی آفریقا، به ایران هم می‌آید. ... یک روز هم به دانشگاه رفت و دانشکده حقوق به او دکترای افتخاری داد... محور اعتراضات دانشجویان در روزهای قبل طبق اسناد و مدارک اعتراض به دادگاه دکتر مصدق و اعتراض به تجدید رابطه با انگلستان بود و هیچ سند و مدرکی برای اینکه در آن زمان به سفر نیکسون اعتراض وسیعی صورت گرفته باشد، در دست نیست...واقعه ۱۶ آذر اساسا ارتباطی با تظاهرات ضد آمریکایی و نیکسون ندارد ... (۶)

شهید چمران نیز که آن روز در دانشکده فنی شهادت سه

هم کلاسی اش را از نزدیک دیده بود نسبتا مشابه با روایت اول این چنین می نویسد:

در تاریخ ۲۴ آبان اعلام شده بود که نیکسون معاون رییس‌جمهور آمریکا از طرف آیزنهاور به ایران می‌آید. نیکسون به ایران می‌آمد تا نتایج ((پیروزی سیاسی امیدبخشی که در ایران نصیب قوای طرفدار تثبیت اوضاع و قوای آزادی شده است)) (نقل از نطق آیزنهاور در کنگره آمریکا بعد از کودتای ۲۸ مرداد) را ببیند. دانشجویان مبارز دانشگاه نیز تصمیم گرفتند که هنگام ورود نیکسون، ضمن دمونستراسیون [=تظاهرات خیابانی] عظیمی، نفرت و انزجار خود را به دستگاه کودتا و طرفدار خود را از دکتر مصدق نشان دهند. تظاهرات علیه افتتاح مجدد سفارت و اظهار تنفر به دادگاه (حکیم فرموده)) همه جا به چشم می‌خورد و وقوع تظاهرات هنگام ورود نیکسون حتمی می‌نمود... (۷)

او در ادامه ((جنایت هیأت حاکمه)) را ((به خاطر انتقام از دانشجویان و به بهانه تظاهرات علیه تجدید رابطه با انگلستان و برای جلوگیری از تظاهرات در مقابل نیکسون)) عنوان میکند (۷)

نظرات در این زمینه زیاد است و تا همینجا اکتفا می کنیم. اما نکته اصلی و نقطه مشترکی که میان همه روایت ها به چشم می خورد چیست؟ کودتای ۲۸ مرداد! و نیز صرفا در مصداق سلطه اتفاق ۱۶ آذر اختلاف است؛ در ضد سلطه بودنش خیر!

شانزدهمین روز فرا می رسد ...

درباره وقایعی که در آن روز اتفاق افتاد به ذکر چند سطر از حسین شاه حسینی (از اعضای هسته اولیه نهضت) و مصطفی چمران و نیز بابک امیرخسروی (مسئول کمیته‌های دانشجویی آن زمان) اکتفا می‌کنیم. البته ناگفته نماند روایات دقیقتر و شنیدنی تر نیز موجود است. شاید برای فرصتی دیگر...

روز ۱۶ آذر، دانشجویان هنگام ورود به دانشگاه متوجه تجهیزات فوق‌العاده سربازان و اوضاع غیرعادی اطراف دانشگاه شدند و وقوع حادثه‌ای را پیش‌بینی کردند... (۷) ... اولین درگیری از دانشکده پزشکی شروع شد و به دستگیری تعدادی از دانشجویان منجر می‌شود... اما این اتفاق باعث می‌شود دانشکده‌های پزشکی و حقوق و علوم تعطیل شوند. تنها دانشکده‌هایی که بدون هیچ درگیری کلاس‌هایشان را برگزار می‌کنند دانشکده‌های ادبیات و فنی بودند... (۸) ساعت ۱۰

صبح هنگامی که دانشجویان در سر کلاس‌ها بودند چندین نفر از سربازان دسته جانباز به همراه عده زیادی سرباز معمولی رهسپار دانشکده فنی شدند. بهانه سربازان برای ورود و حضور در دانشکده فنی و هجوم به بعضی از کلاس‌های درس، شناسایی تعدادی از دانشجویان بود که سربازان ادعا می‌کردند این دانشجویان به آنها بی‌احترامی کرده و مورد استهزا قرار داده‌اند (۷) و برایشان شکوک درآورده‌اند! (۹) سربازان وارد کلاس درس مهندس «شمسی» استاد نقشه‌برداری در دانشکده فنی شده و خواسته بودند چند نفر را دستگیر کنند. (۸)

سر این قضیه مهندس شمسی عصبانی می‌شود و کلاس را تعطیل می‌کند و پیش «مهندس خلیلی» رییس دانشکده می‌رود که خودش از طرفداران دکتر مصدق بود. او هم عصبانی می‌شود؛ خود ایشان یا معاونش دکتر عابدی، زنگ دانشکده را می‌زند. (۹)

هنگامی که دانشجویان در حال خروج از دانشکده بودند به یکباره با حضور و هجوم سرنیزه سربازان مواجه شدند که همین امر منجر به شعار دادن تعدادی از دانشجویان و درگیری آنها با مهاجمین شد و در این میان سه تن از دانشجویان دانشکده فنی به نام‌های مهدی شریعت‌رضوی ، احمد قنذجی و مصطفی بزرگ‌نیا به شهادت رسیدند و تعداد زیادی نیز مجروح شدند. (۱۰)

حکایت همچنان باقی ست...

- منابع**
- کریمیان، علیرضا. جنبش دانشجویی در ایران. تهران: انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱.
 - آبراهامیان، پرواند. **وبسایت ویکی پدیا**، **نجاتی، غلامرضا**. تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله ایران. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسانه، ۱۳۷۱.
 - شریعت رضوی، پوران. مستند آذرخش.
 - شاه حسینی، حسین. سه دانشجویی که جانبازان شاه قربانی شدند. **وبسایت تاریخ ایرانی**
 - ترکمان، محمد. ۱۶ آذر ربطی به ورود نیکسون
 - کریمیان، علیرضا [مؤلف کتاب]: علیرضا کریمیان. جنبش دانشجویی در ایران. تهران : انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۱

اشعرسپیدا | عصر پاییزی



او رفته بود...

- ✿ و من
- ✿ این را همان عصر پاییزی فهمیده بودم...
- ✿ آنگاه که چشمانم
- ✿ دیگر جنس نگاهش را نمیفهمید
- ✿ به من نگاه میکرد
- ✿ ولی برق چشمانش برای من نبود

فقط

- ✿ کمی بیشتر قدم زدم
- ✿ کمی بیشتر نقاشی کردم
- ✿ و گاهی در خلوت تنهایی‌ام
- ✿ چای نوشیدم
- ✿ وقت‌هایی که خاطراتش...
- ✿ حسرت‌ها و کاش‌هایم...
- ✿ بی رحمانه روحم را شکنجه میداد...
- ✿ تنها مسکن بغض‌های منجمدت شده.

اشعرسپیدا | ماه را گم کرده‌ام



فاطمه شریعتی، بهداشت ۹۵ |

- شبیه همان ماهی کوچک در حوض،
- غوطه ورم...
- و انتهای افق دیدم،
- همان گلدان‌های کج و وُج اطراف حوض‌اند
- که در آب نقش میبندند...
- نه آنقدر جسورم که راه دریا را بیابم،
- و نه آنقدر حقیر،
- که در ظرفی بگنجم...
- جسم کوچکم پر از حصارهای آبی رنگ
- است و
- ذهنم پر از شوق پرواز...
- جسمم بال میزند و روحم، بال
- میگشاید...
- چراغی به روشنایی ماه، ندیده‌اید؟؟؟

اشعرا آیوبه!



سعید رحیمی، پزشکی ۹۶ |

من حسامم با خودم هم صاف نیست
راست می گویم به جانم لاف نیست

کار من زیره به کرمان بردن است
این بعید از آدمی آلف نیست

با تمام ارزشت، بی قیمتی!
تو بهایت دست هر صراف نیست

ساده ای اما نمی دانم چرا!
بر محیط قلب تو اشراف نیست

ما دوتا را «طور» می‌آید به کار
صحبت از سیمرغ و کوه قاف نیست

تو نه موسی که خود ائوبه‌ای
البته جانا! اگر، اجحاف نیست

هیچ عیبی نیست معدومم کنی
چونکه وصفت لایق حراف نیست

غصه‌ام از روزگار و قسمت است
بد بدی کرد، این بدی انصاف نیست

اشعرا طاقچه دل



محدثه زینل نیا، بهداشت ۹۶ |

رفتم از خاطرت اما به گمان، جان دارم
بعد تو خواب که نه، سر به گریبان دارم

دخترانی که به عشق تو غزل خوان شده‌اند
بر سر طاقتچه‌ی دل، دو سه دیوان دارم

خوئیم، از ظاهر آراسته‌ام، پیدا نیست
لحظه‌هایی است که من، سجده به شیطان دارم

شانه ی دست تو کم شد، ز سرم باکی نیست
بعد تو هم دل و هم موی پریشان دارم

گفته بودی که هوا بغض کند، می‌آیی
سالیانی است، به دل حسرت باران دارم

ابازتاب | جوابیه

دانشجویی که چون شمایی به خود اجازه «احساس مسئولیت» میدهد. بهتر بود سطح دغدغه هایتان را بالا می آوردید، دانشجویان این دانشگاه سطح اندیشه اشان فراتر از ظرفیت فکری شماسست، باز هم می گویم، باید گریست بر خانه نشریاتی که کاندیدایش برای رأی نیاوردن جناح مقابل، کاندید می شود. چیزی در فکرشان نیست، چیزی در فکرتان نیست. مصداق بارز آن است که می گویند «در نفي ديگري، دنبال اثبات خود نباشید»

ثانیاً، اینجانب بعنوان صاحب امتیاز و مدیر مسئول نشریه ی زروان از تمام شرایط کاندیداتوری در انتخابات خانه نشریات مطلع بودم و پس از مشورت با مسئول نشریات دانشگاه در انتخابات شرکت کردم، و گفته‌های شما مبنی بر ادعای مسئولین «زروان» در مورد مطلع نبودن از شرایط کاندیداتوری مثال بارز « نشر اکاذیب » است چرا که هیچ کدام از مسئولین نشریه ی «زروان» با شما یا شخص دیگری از نشریه ی محترم کاری نو صحبت یا مکاتبه ی حقیقی یا مجازی در مورد چرایی شرکت در انتخابات خانه‌نشریات قطب جنوب کشور، نداشتند.

و اما از هر چه بگذریم، سخن دوست خوش تر است.
در مورد انتخابات بحث بر انگیز ۸۸ بی اندیشه و نابخردانه قلم زده‌ید، در پاسخ بند زیر کفایت میکنند:

«علیرغم آنچه روی داد، ما آرزوهای بلند و کوشش‌های خالصانه خود را نیاختیم. ما در این میانه مستوره‌ای از تحقق آرمان‌هایمان را یافتیم و دیدیم که آنچه به دنبال آنیم چقدر خواستنی است و چه نسبت نزدیکی با حقیقت اسلام و انقلاب و هویت ملی ما دارد. این دستاوردی است که هیچ‌کس نمی‌تواند آن را از ما بستاند. ما با هم سرمایه‌ای اندوخته‌ایم که پشتوانه و بستر حرکت‌های آتی ما و فرزندانمان خواهد بود و این خط سبز جوشیده از فطرت‌های مردم و واقعیت‌های تاریخی کشور و انقلاب همچنان در طول سال‌ها ادامه خواهد یافت تا به مقصد نهایی خود برسد. ما برای حفظ این دستاورد بزرگ همچنان ایستادگی خواهیم کرد.

۸۸/۴/۱۰. بیانیه شماره ۹ مهندس میرحسین موسوی
قل ربی اعلم من جا بالهدی و من هو فی ضلال مبین.
باتقدیم احترام

محمد سعید سلیمانی، مدیر مسئول نشریه زروان

مدیر مسئول محترم نشریه محترم کاری نو برگزار شد، علی رغم آنکه هیچ الزام و اجباری در بیان آنها نبود، صرفاً جهت شفاف سازی و از بین بردن ذهنیت منفی مدیر مسئول نشریه محترم کاری نو، بیان شد بدان امید که قضیه همان جا فیصله پیدا کند و بیان عمومی آن موجب ایجاد تنش نشود. اما ظاهراً مدیر مسئول محترم نشریه محترم کاری نو، تنها راه برای کسب شهرت نامی خود و نشریه اش را ایجاد جنجال میدانند تا شاید بتوانند به این طریق محبوبیت و پایگاه مردمی که رقبای خود با استفاده از سواد و ذهن های خلاق و مطالبه گری درست و عدم همکاری با نهاد های غیر دانشجویی، بدست آورده اند را دچار خدشه کنند.

اینجانب به مدیر مسئول و دست اندرکاران محترم نشریه محترم کاری نو پیشنهاد میکنم به جای صرف انرژی خود در جهت ایجاد تنش و اشغال کاغذ و فضای اختصاص داده شده به آن نشریه توسط مطالب بوج و بیهوده که مصداق بارز حق الناس است، به بالابردن کلاس کاری و محتوای نشریه خود بپردازند تا شاید با این طریق بتوانند پایگاه مردمی در بین دانشجویان بدست آورند. اینجانب به عنوان صاحب امتیاز و مدیر مسئول نشریه زروان و در جهت دفاع از حریم همکاران عزیز و دانشمندم در این نشریه، خدمت دانشجویان عزیز اعلام میکنم نشریه زروان از همان ابتدا، با استقلال کامل از هر تشکل و کانونی در دانشگاه و بدون حمایت از سوی نهادهای خاص در داخل یا خارج از دانشگاه، با رعایت کامل موازین اخلاقی و قانونی و بدون هیچ تلاش و اقدامی در جهت تخریب رقبای خود که از قضا مورد حمایت نهادهای قدرتمند دانشگاهی هستند، صرفاً به پیشبرد اهداف و برنامه های خود پرداخته و هیچ گاه اقدامی در جهت ایجاد تنش بین افراد و جراید و تشکل های مختلف دانشگاه ننموده است.

ما با صدای رسا فریاد میزنیم که خط و مشی اصلاح طلبی را با قدرت و اعتقاد تمام دنبال کرده و خواهیم کرد و به این مورد افتخار میکنیم. بر عکس آنها که سالها برای جناح سیاسی خود سینه چاک بودند و اکنون از نسبت دادن نام اصولگرایی به خود شرم دارند.

و اما جناب آقای مدیر مسئول ! در مورد انتخابات خانه نشریات قطب جنوب کشور ؛

اولا لازم است عرض کنم، باید گریست بر اصالت جنبش

یادداشت | سوال در برابر توهین؛ رأی در ازای خودکار!

۲) کمی هم از انتخابات بنویسم! البته انتخابات دانشگاه خودمان. ما را به مجلس و اینها چه کار؟ (البته حقیقتش با آنها هم داریم ولی خب در این شماره جا نداریم). انتخابات یکی از کانون‌ها بود. دقایق آخر رسیدم. چند دقیقه‌ای به پایان مدت زمان انتخابات تعرفه‌ها تمام شد! اما به مدد رفقا و تدبیر الهی دو برگ آخر رای به من و رئیس رسید. داشتم سه چهار نفری را که میشناختم و مد نظرم بود مینوشتم که یکی گفت اسم من رو هم بنویس. فلانی فلانی! گفتم من نمیشناسم بخشید. گفت خب من رفیق همونی هم که نوشتی. گفتم اون فرد رفیق زیاد داره. من نمینوسیم! خب اینجا دوست کاندیدی مذکور به دادم رسید و به او گفت "ولش کن..." که یعنی خودت را خوار و خفیف نکن! تو کاندیدای انتخابات هستی مثلاً / بعدتر که این ماجرا را تعریف کردم برای دوستان، گفتند (از آنجا که در جیب فامزی‌ها قلمی یافت می‌نشود و اصلاً جُستنی هم در کار نیست!) یک کاندیدا هم بود خودکار میداد و رای میگرفت و بعدش هم خودکار را پس... / مسئولین! رسیدگی کنید! اصلاً کاندیدا در شعاع ۱۰ متری! صندوق رأی نباید باشد (:

چه روندی را طی فرمودید و با چه شخصی از مسئولین دانشگاه هماهنگ نمودید؟
۲) اظهار داشته‌اید در جلسه خصوصی بدبینی حقیر را برطرف کرده‌اید و شفاف پاسخ داده‌اید. یادتان رفته در همان جلسه، سردبیر و سخنگوی نشریه در پاسخ به اینجانب و همان سوال بالا گفتند ما فقط خود را به مسئول نشریات دانشگاه پاسخگو میدانیم؟! در همان جلسه ایشان در پاسخ پرسش یک تلویحا عرض کرد ما با کسی هماهنگ نکردیم (و به تعبیری همینجوری رفتیم چاپخانه و چاپ کردیم). آیا این را تایید میکنید؟
۳) عرض کرده‌اید اطلاع داشته‌اید از قوانین شرکت در انتخابات خانه نشریات (و حتما میدانسته‌اید که شرایطش را ندارید). سوال، چرا شرکت کردید؟ چرا وقتی تایید شدید انصراف ندادید؟ اصولاً قانون به کدام یک از بندهای کفشتان است؟ قضیه مشورت چیست؟ مشورت میتواند اختیار صدقانونی بدهد؟ دو نفر دیگر هم که شرایطش را نداشتند کاندیدا شدند اما تایید نشدند. فرق شما چه بود؟

۱) یک بندهی خدا، ورودی ۹۶ هستم | ۱) روزگار عجیبی است! کسانی که صبح و شب از لزوم گفتگو و آزادی بیان دم میزنند اینگونه حقیقت آزادی را به ابتدال میکشانند. جوابیه نشریه زروان حاوی توهین‌ها و ادعاهای عجیب و غریبی است که یحتمل نشان از عصبانیت مدیرمسئول نشریه زروان دارد. این عصبانیت را درک میکنیم اما بروز آن در جوابیه قطعاً نشان از بی سلیقگی ایشان دارد. طبق قانون نشریات حق آن را داشتیم که به دلیل توهین‌های مکرر جوابیه را منتشر نکنیم. در عوض برخی از قسمت‌های متن را هایلایت کردیم! و اما بعد... چندین سوال میپرسم. بقیه ادعاهایشان هم فعلاً در کوزه خودشان باشد. شاید زمانی دیگر!

۱) فرموده‌اید قیل از چاپ فیزیکی شماره دو و سه با مسئول نشریات دانشگاه هماهنگ کرده‌اید. اولاً که برای تاکید میپرسم! قیل از چاپ شماره سه نوع و تعداد چاپ را با مسئول نشریات هماهنگ کردید؟ ما چیز دیگری "دیده" و "شنیده"‌ایم! ثانیاً از همینجا معلوم میشود قیل از چاپ شماره چهارم روند دیگری را طی کرده‌اید. از شما میپرسم

تصویر متن حرکت

محمد راسخی



خبرگزاری‌ها:

پاول دورف، مدیر تلگرام و واتساپ ابزار جاسوسی است.

سیا: موساد و MI6 در امور کشورها دخالت می‌کنند.



رئیس جمهور فرانسه: ترامپ، برجام را خراب کرد.



رئیس دولت یازدهم خطاب به رئیس دولت دوازدهم: دو نرخي کردن بنزین فسادآور است.



شریعتمداری، وزیر کار: وزیر نفت مسئول بیکاری جوانان است.



انجمن اسلامی مستقل: بسیج، محافظه کار است.



دکتر غلامپور معاون آموزشی: دکتر جمشیدی خادم دانشجویان باشد.



محدثه زینل نیا

ناخوانده، اگر شر بخورم من، چه کنم؟
با خنده‌ی همکلاسی خود، چه کنم؟
عمری که گذشت، روی این تخت گران
اندیشه که صندلی ندارد، چه کنم؟

سعید رحیمی

کوژان کمر! روی سیاه! بیچاره! اندیشه نشین!
افتاده و دور از رفاه! بیچاره! اندیشه نشین!
اندیشه، پارک بازی و هر صندلی، یک سرسره
هی شر خورنده گاه گاه! بیچاره! اندیشه نشین!



سمانه دهقان

از خوبان بیمارستان ولیعصر! که این روزها ذهن همه را
درباره کاربرد و چیستی خود به تکاپو واداشته است!



همراه بانهاد | اولین روز کاری حجت الاسلام یعقوبی با حضور در بین دانشجویان گذشت



گرامیداشت روز دانشجو با حضور
مسئول نهاد رهبری شنبه ۶ آذر



مراسم تودیع و معارفه مسئول جدید
دفتر نهاد رهبری چهارشنبه ۱۳ آذر



طرح دیدار با خانواده معظم شهدا
(محمد امین زارع) دوشنبه ۳ آذر